



۲۰۱۲/۰۹/۰۷

داکتر عبدالرحمن زمانی

اصلاحات امانی علت اغتشاش یا قربانی اغتشاش؟

(قسمت ۳)

اغتشاشات دوره امانی

طوری که قبلاً در مراحل اصلاحات و رابطه زمانی آن بصورت مختصر ذکر شد، به تعقیب تطبیق مؤفقاته مرحله اول اصلاحات، اولین اغتشاش مسلحانه بمقابل رژیم امانی در سمت جنوبی رخ داد. این اغتشاش چهارده (۱۴) ماهه، که بنام شورش منگل و شورش ملای لنگ نیز مشهور است، در پهلوی تلفات جانی و مالی، تلاش های ملت سازی امان الله خان را با موانع مواجه ساخته و سرعت پیاده کردن اصلاحات را بصورت قابل ملاحظه بطنی ساخت.

اغتشاش دیگر عهد امانی، بنام شورش شینوار در شرق افغانستان بعد از بازگشت امان الله خان از سفر طولانی مدت اروپا و آغاز مرحله سوم اصلاحات در سال ۱۹۲۸ رخ داد، که به تعقیب حملات حبیب الله کلکانی باعث سقوط دولت امانی شد.

جریان مختصر رویدادهای اغتشاش جنوبی

اولین شورش بمقابل رژیم امانی در بهار (مارچ ۱۹۲۴) از منطقه منگل در پکتیا به رهبری ملا عبدالله معروف به ملای لنگ و دامادش ملا عبدالرشید آغاز شد.

مقدمه این اغتشاش در پکتیا از مدت ها قبل چیده شده بود، اما بهانه آغاز آن دعوی یکی از افراد قبیله منگل بود. این فرد ادعا داشت که در طفولیت با دختری نامزد شده است. مخالفین این شخص به امرالدین خان، حاکم اعلی، و قاضی شکایت کردند. حاکم اعلی بعد از گرفتن رضایت دختر به اساس نظامنامه جدید که از دواج طفل صغیر را ممنوع قرار داده بود، دعوی شخص مذکور را رد نمود. ملا عبدالله که قرار بود دعوا را فیصله کند، و قبلاً از نامزد رشوت گرفته بود احتجاج نموده گفت که حاکم اعلی از حکم شریعت سرپیچی نموده است. (۱) او به همکاری ملا عبدالرشید در دستی قرآن و در دست دیگر قانون جزا را گرفته در میان قبایل دست به تبلیغات زده فریاد میکشیدند کدام یک را قبول دارید: قرآن یا قانون را؟ و طبعاً مردم میگفتند: قرآن را. بدینوسیله او مردم را بشورش دعوت میکرد.

خانم ریه تالی ستیوارت، نویسنده کتاب معروف «آتش در افغانستان» را جع به رهبر شورشیان مینویسد که «او قبای به رنگ سبز میپوشید، که رنگ قبای پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) بود. او در فلکلور افغانستان به یک شخصیت تبدیل شد. در سالهای اخیر مردم سو استفاده اش را طوری بیان مینمودند که گویا از اسمان برایش الهام می آمد. او به افراد قوم منگل میگفت که "بروید زیر فلان درخت را بپالید، در آنجا پول خواهید یافت"، آنها آنجا رفته و پول در آنجا میبود. البته این پول را انگلیس ها میگذاشتند، چون میخواستند مردم از ملای لنگ پیروی کنند». (۲)



ملا عبدالله معروف به ملای لنگ

به گفته سید قاسم خان رشتیا «یک تعداد ملاها در سمت پکتیا تحریک شدند. اینها در مقابل نظامنامه ها و قوانینی که امان الله خان طرح کرده بود، می گفتند که امان الله خان از قرآن دور شده و از خود قوانین و نظامنامه ساخته است.» (۳)

این اغتشاش که بیش از یکسال ادامه پیدا کرد، هسته هسته با پیوستن اقوام دیگر به آن تا لوگر سرایت کرد. هردوملا با پشتیبانی مردم منگل و خدران (خدران) از شاه خواستند تا بعضی از مواد قانون جزای عمومی را که آنها مخالف شریعت میدانستند، تعدیل کند. شاه جواب داد که قانون مذکور قبلاً به تصویب علمای شرعی رسیده و از آنها خواست تا برای مذاکره با این علما به

د پانو شمیره: له 1 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې دليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

کابل بیابند. البته ملاها نپذیرفتند و بنام حفظ شریعت اسلامی در پکتیا قیام نمودند. دهقانهای پکتیا که از روش مامورین دولت مخصوصاً حاکم اعلی رنجیده بودند، به حمایت از آنها برخاستند، و بعضاً خانهای مغرض به آنها پیوستند. (۴)

امان الله خان کوشید تا با فرستادن علمای منور و صاحب نفوذ این مشکل را حل کند. علما در بیدک لوگر با ملاهای شورشی ملاقات کردند و بزودی دریافتند که ملای لنگ اراده مباحثه مذهبی را نداشته و رفتار مخاصمه در پیش دارد. چنانچه صراحتاً برطرفی امان الله خان را تقاضا و ابلاغ کردند که امیر جدید را انتخاب کرده اند. در نتیجه این ملاقات دولت به فیصله رسید که مصالحه امکان پذیر نبوده و اغتشاش تنها با شکستن قوای شورشیان خاموش شده میتواند. هیئت علما نیز فهمیدند که خواهشات ملای لنگ یک موضوع سیاسی بوده و به مذهب ارتباطی ندارد. مشاورین مذهبی امان الله خان مشوره دادند برای واریسی شکایت های مذهبی لویه جرگه دایر شود. جرگه پیشنهادات امان الله خان را بصورت عموم قبول کرده، اصلاحات چندی راجع به قانون جزا و غیره بعمل آمد. (۵)

لویه جرگه با تعدیل برخی از مواد برنامه اصلاحات، هیئتی را به ریاست حضرت شمس المشایخ و عضویت نورالمشایخ، وزیر عدلیه، قاضی القضاات، سردار محمد عثمان خان و تعداد دیگر غرض مذاکره نزد شورشیان فرستاد تا تذکر بدهند که تمام مواد قانون با شریعت اسلام تطبیق داده شده و هیچ ماده بی نیست که با اسلام در تضاد باشد، ولی مذاکره با شورشیان نتیجه مطلوب به بار نیاورد. استاد فضل غنی مجددی به روایت از دختر سردار محمد عثمان خان (والده حضرت صبغت الله خان مجددی) مینویسد که مذاکرات خصوصی بین حضرت نورالمشایخ و سردار محمد عثمان خان و ملا عبدالله صورت گرفت و حضرت نورالمشایخ بسیاری از نظریات ملا عبدالله را تائید نمود، لیکن حضرت شمس المشایخ در نهایت پیشنهادات ملا عبدالله را رد کرد. (۶)

در دوران اغتشاش و جنگ های پکتیا تلفات زیادی به قوای دولتی و شورشیان رخ داد. اکثر این جنگها بنفع شورشیان تمام میشود. شادروان غبار مینویسد یکی از این جنگها «هنگامی که وزیر حربیه محمودلی خان در گردیز تحت محاصره شورشیان قرار داشت، از کابل یک قوت ۷۰۰ نفری بنام «عسکر جان فدا» با دو غنمشر برای نجات وزیر حربیه بسوی گردیز فرستاده شد، مگر این قوت در بیدک لوگر مورد شیخون شورشیان قرار گرفت و تا فرد آخر از دم تیغ گذشتند. (۷)

دانشمند و مؤرخ افغان آقای سیستانی مینویسد که والی علی احمد خان از ننگرهار بکمک وزیر حربیه شتافت و اگر او با شبه نظامیان خوگینانی و مومند از ننگرهار به کمک وزیر حربیه به موقع نمی رسید، بدون شبهه وزیر حربیه باشکست مواجه میشد و پایتخت مورد تهدید جدی شورشیان قرار میگرفت. به هرحال والی علی احمدخان با ورود به گردیز محاصره شورشیان را درهم شکست و شورشیان را مجبور به عقب نشینی و فرار نمود. (۸)

در حین شدت اغتشاش قشله عسکری خوست تحت محاصره قرار گرفت، بر خزانه دولت در راه غزنی به گردیز حمله صورت گرفت، تنگی آغو جان لوگر با یک حمله ناگهانی شورشیان اشغال شده و پایتخت مستقیماً تحت تهدید واقع شد. بعد از چندی شورشیان شهر غزنی را نیز به محاصره کشیده، احمد زائی ها و طوطاخیل ها ارتباط کابل را با پکتیا قطع نموده، شورشیان از غزنی به استقامت کابل تا شیخ آباد و تکیه در وردک رسیدند و ملا عبدالاحد و برادرش سبحان خزانه دولت را در شیخ آباد به غنیمت بردند.

در همین جریان بود که یکنفر بنام عبدالکریم که خود را پسر امیر یعقوب خان میخواند، از هند بریتانوی وارد صحنه شده و دعوای امارت نمود. این خبر به سرعت در سرتاسر افغانستان منتشر شد و بگفته غبار مردم باوجود آزردگی که از سو اداره دولت داشتند و در جنگ پکتیا اقلاب بی طرفی خود را حفظ میکردند، همینکه دانستند اغتشاش پکتیا ماهیت مذهبی نی، بلکه ماهیت سیاسی و آنها بمداخله دولت انگلیس دارد، همه به حمایت دولت برخاستند و بر ضد نفوذ خارجی متحد گردیدند.

بعد از آماده گی و حمایت مردم از سمت شمال، مشرقی، قندهار، کاپیسا و پروان، هزاره جات، و کابل، قوای دولتی در جبهات از مرحله دفاعی گذشته و به تعرض آغاز کردند. در خود پکتیا نیز احساسات عمومی به شور آمده مردم جاجی و چمکنی طرف دولت را گرفته و هندو های خوست تغذیه عساکر دولت را بدوش گرفتند. شهر کابل نیز تادیبه معاش سه کندک نظامی اعزامی در لوگر را پذیرفته، شاگردان مدارس کابل تقاضای اسلحه و شمولیت در جنگ را نموده، و بعضی از زنان کابل زیورات خود را به دولت اعانه دادند.

محمود طرزی در همین سال از سفارت پاریس دوباره به کابل آمده و مسئولیت وزارت خارجه را باز بدوش گرفت، و در همین سال بود که شاه امان الله خان بالای حضرت نورالمشایخ مجددی مشتبه شده خواست او را به زندان بفرستد، ولی حضرت شمس المشایخ که مرد مجاهد و ضد استعمار و هم طرفدار آزادی سرحدات از نفوذ انگلیس بود، مانع این کار شد. لذا شاه نظر به احترامی که به این شخصیت روحانی داشت، از حبس نورالمشایخ بشرطی منصرف شد که از افغانستان خارج شود. حضرت نورالمشایخ هم با عایله خود سرحد افغانستان را عبور نموده و در دیره اسمعیل خان اقامت اختیار نمود.

بهر حال جنرال محمد عمرخان مشهور به سور جرنیل محاصره غزنی توسط شورشیان پکتیا را در هم شکست، و با شکست دان جنگاوران پکتیا که شیخ آباد و تکیه را اشغال کرده بودند، به تهدید کابل خاتمه داد. محمد امین خان غند مشر هم از قلعه نظامی لوگر مدافعه نموده حمله آوران پکتیائی را شکست داد. غلام نبی خان چرخي هم قوه اغتشاشیون را در تنگی آغوجان لوگر مغلوب کرد، و محمد غوث خان غند مشر فراریان شکست خورده را تعقیب نمود. سردار شاه ولی خان در لوگر مذاکره با اغتشاشیون را آغاز کرد و میر زمان خان کنزی و جنرال عبدالوکیل خان نورستانی هم در میدان های جنگ لوگر رشادت بسیار نشان دادند. رجب علیخان کندکمشر قطعه انشآت و جانمحمد خان تولی مشر نورستانی در جدیت نظامی مورد توجه افسران بزرگ قرار گرفتند. بهرام خان سرخابی هم تمام راه های لوگر را بطرفداری دولت محفوظ و مأمون نگهداشت. مردم احمد زائی نیز از صف شورشیان خارج شدند.

بلاخره با وارد شدن افسران و مامورین دولت به پکتیا، برقراری مجدد خط ارتباط کابل پکتیا، پاک کردن کوتل تیره از اغتشاشیون، شکست شورشیان در زرمت، جنگ های نیکه جدران، و شکست اغتشاشیون منگل در راه میرزکه، و شکست آخرین قوه مقاومت اغتشاش پکتیا، فرار عبدالکریم خان به هندوستان، دستگیری و محاکمه نظامی و اعدام رهبران شورش چون ملا عبدالله و ملا عبدالرشید وسایر ملا های دخیل درشورش با ۲۵ تن دیگر از سران اغتشاش، و زندانی شدن تعدادی از اسیران درکابل، و مجبور ساختن تعداد دیگری به اقامت در صفحات شمال کشور اغتشاش بزرگ پکتیا خاتمه یافت. ببرک خان خُدران که یکی از غازیان مشهور کشور و حامی دولت مرکزی بود، نیز در طی همین جنگها بطرفداری از دولت کشته شد. (۹)

دو رویداد قابل یادآوری

درینجا میخواهم در رابطه با شورش جنوبی از دو رویداد دلچسپ یادآور شوم که تا حال در هیچ اثری یا به آن اشاره نشده و یا از نظر این قلم نگذشته است.

نقش غازی میرزمان خان کنزی و پایان دادن جنگ با جرگه قومی

اغتشاش جنوبی بیش از یکسال دوام نموده و شدت جنگ با شورشیان از مراحل مختلفی گذشت. شکست نهایی شورشیان و دستگیری رهبران شورشی منگل، بمعنی ختم



خبر بازگشت غازی میرزمان خان کنزی از سمت جنوبی

در جریده امان افغان



د پاپو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

جنگ نبود. با تلفات جانی و مالی ناشی از جنگ، مخالفت و دشمنی اقوام مختلف جنوبی ادامه داشته و ترس از دولت و اندیشه گرفتن انتقام (بدل) به حیث یک اصل مهم پشتونولی کماکان موجود بود. برای خاتمه دادن به این مشکل، راه حل غیر نظامی و جرگه قومی بهترین وسیله بود. اما جرگه رهبران قومی خُدران با فرقه مشر شیر احمدخان به نتیجه نرسید، و با بازگشت لشکر از خوست، جنگ خُدران از سر گرفته شد. در دوران جنگ ملکان خُدران بشرطی حاضر به مذاکره شدند، که غازی میرزمان خان کنری که خود یک رهبر قومی بود، درین جرگه شرکت کند. این پیشنهاد پذیرفته شد و در جرگه قومی قناعت رهبران قومی حاصل شده، با تسلیم کردن اسلحه به غنیمت گرفته شده دولتی حاضر شدند به ضمانت میرزمان خان کنری به کابل آمده با شاه آشتی کنند. (۱۰)

همفریز، وزیرمختار انگلیس در کابل به تاریخ ۲۲ دسمبر ۱۹۲۴ درین باره به وزارت خارجه خود گزارش داد که میرزمان خان کنری دیروز با ۱۵۰ نفر از ملک های خُدران به کابل رسید. خُدران ها مذاکره و پیمان با مأمورین فارسی زبان را رد کرده و گفته اند که با حکومت افغانستان تنها از طریق میانجیگری یکی از پشتون ها حاضر به مذاکره میشوند. میرزمان خان خود ش مسؤلیت تضمین و امنیت آنها را به عهده گرفته است.

سفیر انگلیس به استناد راپور یک منبع مؤثف علاوه میکند که (۱) خُدران ها یک مقدار قابل ملاحظه از تفنگ های دولتی را تسلیم نموده و حاضر اند با وعده عفو شان تفنگ های باقیمانده را نیز تسلیم کنند. (۲) یک تعداد زیادی از وزیری ها و مسعود نیز از جنگجویان خُدران حمایت میکنند، و (۳) عبدالکریم و ملای لنگ در حال مذاکره پناه گرفتن در منطقه مهمند می باشند. آتش بس فعلاً تا معلوم شدن نتایج مذاکرات ادامه دارد. (۱۱)

تعیین جزای اسیران منگل توسط ملکه ثریا

در دوران اغتشاش جنوبی به شمول رهبران شورش تعداد زیادی از جنگجویان مخالف دولت هم توسط قوای محدودی خان دروازی، وزیر حربیه وقت دستگیر و به کابل آورده شدند. در جمله اسیران جنگی تعدادی از خانم های قبایل غلجی و منگل نیز شامل بودند. به تاریخ ۲۵ ماه می ۱۹۲۵ غازی امان الله خان در دربار قبل از تطبیق حکم اعدام محکمه نظامی خطاب به رهبران شورش گفت :

«شما افغانهای اصیل هستید، مرا ببخشید اگر به خشونت و شدت با شما اتباع افغانستان و فرزندان خود پیش آمد میکنم، مگر شما بعد از این اولاد من نیستید، زیرا که شما علیه من بغاوت کردید، شما بر اعمال مخلصانه من، انگشت اعتراض گذاشتید. آنها ازین قرار اند: من مکاتب تاسیس کردم، آیا شما فکر میکنید که این مکاتب را برای خودباز کرده ام؟ من آنها را برای اطفال شما گشوده ام. شما خواستید که مکاتب جدیدالتاسیس دختران را بسته کنم، چنان کردم. اکنون علمای تمام دنیا به من نوشته اند که مکاتب برای دختران یک امر حیاتی و ضروری است. من پروژه آبیاری را روی دست گرفته ام، این کار را هم برای خود نکرده ام، بلکه برای شما و فرزندان شما کرده ام. شما بر من، حکم قادیانی کردید، من قادیانی نیستم. شما گفتید که قوانین جدید من، مخالف قرآن کریم است، من از شما خواهش کردم تا نزد من بیایید و در این موضوع با هم بحث و مذاکره کنیم، مگر شما نیامدید، در عوض دنبال شخص ماجرا جوی دهشت افگنی چون عبدالکریم (که مدعی بود پسر امیرمحمد یعقوب خان است) رفتید و بر علیه من برخاستید و بیغی کردید. شما باعث قتل یک تعداد زیاد عسکر (بشمول ۷۰۰ تن عسکر جانفدا) اولاد من شده اید، بنابراین نمی توانم شما را عفو کنم، پس شما باید کشته شوید.»

در جمله ۵۴ تن از شورشیانی که اعدام شدند علاوه بر ملا عبدالله و دامادش ملا عبدالرشید، ۴۰ نفر از سران شورشیان غلجی های احمدزائی و چند نفر منگل و خُدران شامل بودند.

در همین دوران، درباری هم برای خانم های اسیر در حرم توسط ملکه ثریا منعقد شد که در آن ملکه باهریک از زنان اسیر صحبت نموده، بعد از دادن تحایف آنها را آزاد نمود. اما یک استثنا وجود داشت و آن جزای چند نفر از دختران منگل بود. ملکه ثریا آنها در کابل نگهداشته و شامل مکتب نسوان ساخت. به اقارب انها توضیح داده شد که میتوانند یکسال بعد به کابل آمده و در صورتی که به ادامه تحصیل دختران شان اعتراض معقولی داشته باشند، درخواست بردن آنها را به امیر بدهند. (۱۲)

اغتشاش شینوار

مانند اغتشاش جنوبی، اغتشاش شینوار نیز ربطی با اصلاحات نداشته، و مقدمات آن از قیل چیده شده بود. ظاهراً در نومبر ۱۹۲۸ کاروانی از کوچی های سلیمانخیل در مسیر راه کوچ زمستانی شان به هندوستان با گروهی از سنگوخیل های شینواری برخوردند. کوچی ها به اشتباه اینکه آنها دزد هستند، چند نفری از سنگوخیل ها را کشتند. سنگوخیل ها هم قاتلین را گرفتار و به حکومت محلی تسلیم نمودند، ولی کوچی ها به ترتیبی حاکم محل را با خود همراه ساخته، آزادی خود را بدست آوردند. به گفته شادروان غبار سنگوخیل ها با حکومت اعلی جلال آباد داد خواه شدند، باز هم کسی به سخنان شان گوش نداد، لهذا ضدیت شینواری ها با حکومت آغاز گردید، خصوصاً که افراد مشبوه تبلیغات شدیدی راجع به کفر و بعدالنتی دولت در بین مردم شینوار مینمودند، و دستهای مخفی و منظم زمینۀ انفلاق را آماده کرده میرفتند. (۱۳) شینواری ها دست به شورش زدند و پست های نظامی اچین و کهی را اشغال و به ذخایر بزرگ سلاح و مهمات دست یافته و با تصرف دکه راه تورخم - جلال آباد (پشاور - کابل) را مسدود نموده و بطرف شهر جلال آباد روآوردند. با ضعف و عدم تصمیم گیری حکومت و برابر شدن زمینۀ سهم گرفتن در غنائیم، افراد دیگر شینواری نیز به شورشیان پیوسته و بزودی جلال آباد مرکز ولایت مشرقی سقوط و قصر تابستانی امان الله خان به آتش کشیده شد. امان الله خان که بسیار ناوقت متوجه وخامت اوضاع شده بود، قوای عسکری را جهت مقابله با شورشیان گسیل داشت. اما با استفاده از تبلیغات وسیع، انتشار اخبار پیروزی شینواری ها، فعالیت جواسیس انگلیس مثل عبدالواحد شینواری (مستروید استرالیائی) و ظاهر شدن روحانیون سخنور در صحنه و ارسال پیام ها برای قبایل دیگر، و دایر شدن جرگه های متعدد، ملایان و روحانیون از اصلاحات بحیث وسیله ضد رژیم امانی بهره گرفته، یک حادثۀ ناچیز یعنی منازعۀ کوچک قبیلوی به یک شورش بسیار بزرگی مبدل گشت و به آن رنگ مذهبی داده شد.

اگر به شرایط آتش بس که بتاريخ ۲۹ دسمبر از طرف شورشیان به غلام صدیق خان چرخي، فرستاده غازی امان الله خان برای مذاکرات، سپرده شد، دقت شود، به آسانی ماهیت سیاسی آن درک و دست های پشت پرده استعمار تا اندازه شناخته شده میتوانند. خواسته های شورشیان قرار آتی بودند:

۱- طلاق ملکه ثریا

۲- تبعید فامیل طرزی

۳- لغو هیئت های نمایندگی خارجی به استثنای انگلستان

۴- لغو تمام قوانین جدید

۵- تخفیف مالیات

۶- شمولیت علماء در امور دولت (۱۴)

جریان مکمل رویداد های اغتشاش شینوار و به تعقیب آن حملات حبیب الله کلکانی بر کابل را میتوان در کتاب افغانستان در مسیر تاریخ و آثار دیگر مطالعه کنید.

(ادامه دارد)

یادداشت ها و مأخذ

۱. کاتب، فیض محمد/ترجمۀ مکچیسنی (تذکر الانقلاب/کابل تحت محاصره)، صفحات ۱۳ و ۱۴.
۲. Stewart, Rhea Talley (2000). (آتش در افغانستان)، صفحات ۲۵۹-۲۶۰.
۳. طنین، ظاهر، افغانستان در قرن بیستم، پیشین، ص ۴۵.

د پانو شمیره: له 5 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

۴. غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶)، افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۸۰۷.
۵. (1973) Poullada, L. B.، ص ۱۲۲.
۶. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان، ص ۲۳۹.
۷. غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶)، ص ۸۰۸.
۸. کاندیدای اکادمیسین سیستانی، نقش روحانیت متنفذ در ضدیت باتجددگرایی رژیم امانی
۹. غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶)، صفحات ۸۰۶ تا ۸۱۱.
۱۰. تفصیل این رویداد در نسخه قلمی سیف الامان، اثر عبدالخالق اخلاص (صفحات ۸۸-۸۹) ذکر شده است. در نتیجه فیصله این جرگه بیش از ۱۵۰ نفر از ملکان قوم خدران در حالی که گل محمد خان و عصمت الله خان دو پسر غازی میرزمان خان در خدران باقیماند، به همراهی میرزمان خان کنری به کابل آمده با غازی امان الله خان ملاقات نموده جنگ خاتمه یافت.
۱۱. اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، وزارت خارجه، تلگرام محرمانه ۲۸۹ FO 371/10396.
۱۲. اسناد آرشیف هند بریتانوی، راپور های استخباراتی و مکاتیب مربوط به جریان و گرایش رویدادهای داخلی افغانستان، از ۱۵ فبروری تا ۱۵ جون ۱۹۲۵.
۱۳. غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶)، ص ۸۱۸.
۱۴. تلگرام ۲۹ دسمبر ۱۹۲۸ سفیر انگلیس در کابل به وزیر امور خارجه در لندن.

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ